

حیات شبانه و تغییر ساعت کار مشاغل

مشاغل در ماه مبارک رمضان در تهران قدیم ۲۴ ساعته می‌شدند؛ مشاغلی که رونق می‌گرفتند و مشاغلی که تا آخر این ماه تعطیل بودند. حتی ساعت فعالیت کاسبان هم در این ماه تغییر می‌کرد و برخلاف امروز، مغازه‌داران روز استراحت و شب کار می‌کردند.



همایون عبدالرحیمی، نویسنده و محقق، در این باره می‌گوید: «اغلب کاسبان غیر از بقال و قصاب و خباز، به دلیل شب زنده‌داری، تا ظهر روز بعد خواب بودند. شغل‌هایی مثل غذاپز، چلو برای ناهار، شیربرنج‌پزی و حجامت هم تعطیل بودند و مطرب‌ها هم به حرمت ماه رمضان کسب و کاری نداشتند. در عوض کسب و کار وصیتنامه‌نویس، کتاب‌دافروش، قرآن‌فروش، بره‌کشان حمامی، ساعت‌ساز، معرکه‌گیر و مسئله‌گو، فروشندگان سجاده و جانماز و... رونق می‌گرفت. ماه رمضان آن سال‌ها به دلیل نبود رسانه و ضعف اطلاع‌رسانی به گونه دیگری اتفاق می‌افتاد. در واقع حیات شبانه شکل می‌گرفت. روزها تلاش و تکاپوی زیادی از سوی مردم صورت نمی‌گرفت. حتی ساعت مکتبخانه‌ها هم کم می‌شد. بچه‌ها صبح‌ها ۲ ساعت و عصرها ۳ ساعت به مکتب می‌رفتند و به جای درس احکام یاد می‌گرفتند. صاحب‌کارها بر کارگر خود آسان می‌گرفتند و تا نیمه‌روز از آنها کار می‌خواستند. هنگام غروب همه گوش‌به‌زنگ بودند تا توپ شلیک شود و بتوانند افطار کنند.»



جعفر شهری در کتاب طهران قدیم می‌نویسد: «... تعطیلی کسب و تجارت مخصوصاً در نصفه اول روزهای ماه رمضان و خاصه تعطیلی کامل پزنده‌های ناهار بازاری از قبیل چلوپزی، دیزی‌پز، یخنی‌پز، شیربرنج‌پز، قهوه‌چی، مطرب و لوطی و امثال آن و کسادگی کار حکیم و دوافروش و زالویی و حجامت‌چی و دلاک و رگ‌زن و دندان‌ساز و سلمانی و مشاطه و در مقابل، خلاف اینگونه کسبه، کسبه‌ای بودند که این ماه، ماه کسب و کار و بره‌کشان‌شان بود، مانند حمامی‌ها، ساعت‌سازها و علما و واعظ، معرکه‌گیرها، مسئله‌گوها، فروشندگان قرآن و فروشندگان عکس و شمایل پیغمبر و امام و فروشندگان سجاده و جانماز و مقنعه و... رواج کامل وصیت و وصیتنامه و تعیین وصی و قیام و ناظر و اقدام به امور خیریه و تهیه موقوفات و تصفیه محاسبات و حلال کردن دارایی و اموال شبهه‌ناک و...»



چاووش خوان‌ها؛ از الوداع خوانی تا حضور در رادیو ارگ

می‌دادند. چاووش خوان‌ها و به عبارتی، بیدارباش گوه‌ای ماه رمضان در تهران قدیم، افراد مؤمن و متدین بودند و در برابر همه ناملازمات دوره رضاشاه تسلیم نشدند و این سنت را تا آخرین روز ماه رمضان بجا می‌آوردند. چاووش خوانی انتهای یا الوداع خوانی، سنتی بود که در ۳ روز آخر ماه رمضان توسط چاووش خوان‌ها به‌جا می‌آوردند و رسم بود که در آخرین سحرگاه ماه رمضان از مردم پایتخت، عیدی و فطره دریافت می‌کردند.

با شروع به کار رادیو در ساختمان میدان ارگ و پخش اذان و مناجات از رادیو، سنت چاووش خوانی هم آرام آرام کمرنگ شد. آل عوض می‌گوید: «برخی چاووش خوان‌های معروف، مثل سیدجواد ذبیحی که به دستگاه‌های موسیقی سنتی تسلط عجیبی داشت و سیدعباس صالحی که مشهورترین چاووش خوان شمیران بود، به رادیو راه پیدا کردند و مردم تهران به جای کوچه و پسکوچه‌های شهر، صدای آنها را از رادیو می‌شنیدند.»

و برای بیدار کردن مردم با ضرباتی آرام به دیوار خانه‌ها می‌کوبیدند و اهالی پایتخت از کار این افراد خشنود بودند. رسم چاووش خوانی در ماه رمضان در دوره قاجار به شدت در پایتخت رواج پیدا کرد، اما باروی کار آمدن پهلوی اول، چاووش خوان‌ها در تنگنا قرار گرفتند. نقل است که در این دوره، برخی چاووش خوان‌ها توسط قزاق‌های کلاه‌آبی به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و برخی دیگر به جرم «بانگ چاووشی» در کوچه‌های پایتخت، ۳ روز حبس را تحمل می‌کردند.

رضاشاه بر این باور بود که ممکن است بر اثر نواخته شدن دهل، مردم در مناطقی از پایتخت تجمع کنند و به همین دلیل این سنت را تهدیدی برای امنیت پایتخت می‌دانست.

اردشیر آل عوض، محقق فرهنگ عامه، در این باره می‌گوید: «پیش از اینکه بلندگو در مساجد باب شود، برخی از مردم با کوبیدن بر طبل، نواختن بوق، زدن به در خانه مردم و به صدا درآوردن جرس‌ها، آمدن سحرگاه ماه رمضان را نوید

یکی از سنت‌های پسندیده تهران نشین‌های قدیم، چاووش خوانی در ماه رمضان بود. چاووش خوان‌ها افراد خوش صدایی بودند که در سحرگاه ماه رمضان با دهل نوازی، آمدن ماه مهمانی خدا را نوید می‌دادند و مردم را برای بیدار شدن در سحرگاه و به‌جا آوردن آداب سحرگاه می‌کردند.

برخی چاووش خوان‌ها با خواندن اشعار در وصف ماه رمضان، بشارت می‌دادند که ماه رمضان رسیده و برخی دیگر با خواندن مناجات مردم را از رسیدن ماه رمضان آگاه می‌کردند. از برادران همدانی که از واعظان خوش صدای تهران در دوره ناصری بوده‌اند به‌عنوان نخستین چاووش خوان‌های تهران نام می‌برند. بسیاری از چاووش خوان‌ها با الگو برداری از آنها به صورت گروهی در کوچه پسکوچه‌های تهران به اصطلاح چاووش خوانی می‌کردند.

جعفر شهری در کتاب «طهران قدیم» نوشته که برخی از چاووش خوان‌ها در کنار مناجات خوانی، به وقت سحر

ماجرای چشم خروس و توپ در کردن در ارگ و توپخانه

حدادی می‌گوید: «قبل از شلیک توپ، برخی از مردم برای تشخیص وقت افطار از شیوه «کاه‌زدی» استفاده می‌کردند؛ به این معنی که اگر زردی کاه روی دیوار دیده نمی‌شد، هنگام افطار فرار سیده بود. رسم «چشم‌خروس» هم بود که اگر چشم خروس از حالت گرد به حالت خطی در می‌آمد، زمان غروب آفتاب و افطار بود. یک رسم کمتر شنیده شده هم این بود که سایه چراغ گردسوز باید زیر چراغ قرار می‌گرفت تا وقت افطار برسد.»

بعد از شلیک توپ در میدان‌های ارگ و توپخانه، شیوه‌های سنتی برای پی‌بردن مردم تهران به وقت سحر و افطار کمرنگ شد تا اینکه سال ۱۳۲۲ و ۳ سال بعد از شروع به کار رادیو، برای نخستین بار بانگ اذان از رادیو پخش شد تا اوقات شرعی به‌طور دقیق برای مردم مشخص شود.

قرار گرفتند. چنان که جعفر شهری در کتاب طهران قدیم این سنت نوپا را با نقل روایتی عجیب بازگو می‌کند و می‌نویسد: «غوغا و هیاهو در وقت سحر و افطار به جایی رسید که شهر یکپارچه بانگ و فریاد می‌شد، تا جایی که نقل است دیپلماتی اروپایی هنگام سحرگاه ماه رمضان وارد تهران می‌شود و با تماشای غوغا و ولولوله مردم به گمان آنکه مردم به اعتراض برخاسته‌اند یا انقلاب شده فرار می‌کند و به کشورش باز می‌گردد.» گفته می‌شود توپ قدیمی میدان ارگ هم اکنون در محل سابق باشگاه افسران که امروز بخشی از ساختمان وزارت امور خارجه را در بر می‌گیرد نگهداری می‌شود.

قبل از ماجرای توپ در کردن در میدان‌های ارگ و توپخانه، برخی از اهالی پایتخت برای آگاهی از وقت افطار به شیوه‌های مختلفی متوسل می‌شدند.

در دوره قاجار که هنوز رادیو و تلویزیون شروع به کار نکرده بود و صدای اذان از مناره و ماذنه مساجد پایتخت پخش نمی‌شد، شیوه‌های سنتی برای بیدار کردن مردم در سحرگاه و آگاه شدن از آنها از موعد افطار رایج بود.

در عهد قاجار برای آنکه تهران نشین‌ها و اهالی قریه‌های اطراف تهران به‌راحتی از وقت سحر و افطار آگاه شوند، حکومت از شیوه شلیک توپ بهره می‌برد. شلیک توپ به وقت سحر و افطار شیوه‌ای بود که در مقایسه با چاووش خوانی و طبالی یک سنت شکنی بزرگ به حساب می‌آمد. قبل از این ماجرا، عده‌ای تحت عنوان طبال با طبل‌های بزرگ به کوچه و پسکوچه‌های تهران می‌رفتند و چنان بر طبل می‌کوبیدند تا مردم از وقت سحر و افطار آگاه شوند. طبال‌ها در کنار چاووش خوان‌ها در دوره قاجار مسئولیت اطلاع‌رسانی عمومی در ماه رمضان را برعهده داشتند، اما استقرار توپ در دو میدان بزرگ شهر، تهران نشینان را با پدیده‌ای جدید مواجه کرد که قبلاً در کشورهای اسلامی سنت رایجی بود.

برخی منابع مکتوب به استقرار توپ‌های ارتش در چند میدان تهران و شلیک توپ در وقت سحر و افطار اشاره کرده‌اند، اما نصرالله حدادی، تهران‌شناس، معتقد است توپ‌ها فقط در دو میدان تهران مستقر بودند: «اواخر دوره قاجار دو دستگاه توپ در میدان‌های ارگ و توپخانه مستقر کرده بودند، اما توپ در کردن از میدان ارگ سر و صدای بیشتری داشت و توجه مردم را جلب می‌کرد. هنگام سحر و افطار ۳ توپ شلیک می‌شد و تقریباً همه مردم صدایش را می‌شنیدند.»

آنطور که در منابع تاریخی آمده، شیوه توپ در کردن در ماه رمضان از دوره ناصرالدین‌شاه در تهران رواج پیدا کرد و تا دوره پهلوی اول ادامه داشت و اهالی پایتخت در سال‌های ابتدایی تحت تأثیر این شیوه

